

فراخوان علیه بیداد دستگاه قضائی در ایران

اطلاعیه مطبوعاتی ده ها تن از روشنفکران ایرانی در جهان خطاب به کلیه مراجع حقوقی بین المللی و افکار عمومی و نوشت به دفاتر ملل متحد، یونسکو، پارلمان اروپا، مجالس ملی، عفو بین الملل، اتحادیه حقوق بشر، خبرگزاری ها و مطبوعات

مردم ایران، از بهار گذشته، شاهد موج جدیدی از اختناق گسترده دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران بوده اند؛ از جمله: توقیف سراسری مطبوعات منتقد و مستقل و دستگیری گسترده روزنامه نگاران، تخریب مهالان به کوی دانشگاه و دستگیری وکلای دانشجویان قربانی، محاکمه غیر علنی آمران و عاملان سلسله قتل های زنجیره ای بمنظور اعلام ختم این پرونده ملی و اعمال سنگین ترین محکومیت ها برای افشاگران آن، برپائی محاکمات تفتیش عقاید شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، انتقال زندانیان سیاسی به زندانهای غیر رسمی و فشار برای وادار ساختن ایشان به اعترافات رسوای تلویزیونی.

اینهمه، این دستگاه را از هرگونه مشروعیتی، حتی در محدوده نظام حاکم، تهی ساخته و کارش را گوئی به جنون کشانده است:

احمد زید آبادی، روزنامه نگار زندانی که از 17 مرداد گذشته، به دلایل واهی، دستگیر و به زندان اوین منتقل شد، در اعتراض به بیش از ده بار تغییر و جابجایی سلول و زندان، اقدام به اعتصاب غذا ورزید. پس از زیدآبادی اینک نوبت هدی صابر فرا رسیده است که از تاریخ 79/11/9 بازداشت شد، منزلش مورد یورش مامورین قرار گرفت و وسایل کار و کتابهایش را بردند (بنقل از اطلاعیه مورخ 23/11، فریده صابر همسر وی که اخیرا از سوی دادگاه انقلاب مورد تهدید واقع شده است). بازداشت های زنجیره ای همچنان ادامه دارد و بویژه فعالان جنبش دانشجویی و فعالان سیاسی هدف قرار گرفته اند: زیر فشار گذاردن آقایان سحابی و افشاری در زندانی نامعلوم و بازداشت مرتضی احمدی و فریبا داوودی مهاجر، بلا تکلیف ماندن حکم آقای یوسفی اشکوری برغم شکایت ایشان و .. ، بالاخره بازداشت رضا علیجانی سردبیر نشریه ایران فردا، از این جمله اند.

ما با تکیه بر شواهد مستند، اعلام میداریم که اینها تنها موارد اخیر شیوه کار این دستگاه می باشند و نمونه های دیگر در گذشته و حال بیشمارند که در اینجا فرصت برشماری یکایک آنها نیست. نحوه عمل این دستگاه، از فرط جانبداری و اجحاف، سر به بلاهت و مضحکه گذارده و در چهارچوب قانون اساسی همین نظام نیز، ظواهر امر حق و قضا را رعایت نمی کند!

در چنین شرایط خطیری، رهبری جمهوری اسلامی ایران نمی تواند، در برابر افکار عمومی جهان، نسبت به نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی پاسخگو نباشد. در برابر اراده اکثریت مردم، نهادهای انتصابی این نظام همسو با نیروهای عاجز از معرفی يك نامزد مورد پذیرش اقلیتی از مردم، قد برافراشته اند تا با اعمال زور عریان و ارعاب، روند جنبش شهروندی را مسدود سازند.

ملت ایران، در حرکت خود بسمت برپایی نظامی قانون بنیاد، چشم انتظار حمایت و اقدام همه وجدان های آزاده جهان است!

3 اسفند 1379 / 21 فوریه 2001

همشید اسدی، رویا اسدی، مسعود افتخار، زهره اقبال، محمد اقتداری، بهمن امینی، جلال ایجادی، مرتضی بابایی، جواد باجغلی، رحیم باجغلی، محمد باقری، محمد برقی، امین بیات، تیمور بیدقی، علی اصغر حاج سیدجوادی، بیژن حکمت، مینو حکمت، غنچه جودی، مرتضی همزه لوئیان، بهمن خلیقی، ناصر چگینی، محمد رضا درویش، مهدی ذوالفقاری، محمد رضا زنجیران، باقر رئیسی، علی سردار، علی شاکری، احسان شریعتی، منوچهر صالحی، رضا قاسمی، فرهنگ قاسمی، حسن کاشانی، زهرا کوکی، سلیمان کوکی، محمد گرامی، سحر گرگانی، امیرحسین گنج بخش، حسن گل سفیدی، لیدا ماکویی، بهمن مبشری، علی مجیدی، مهرداد مشایخی، همزه معدن نشین، مهدی ممکن، محسن مینوی، شیدان وثیق، محمود نکوکار، ...

امضاء ها ادامه دارد
(لطفاً به همراه امضاء حتی المقدور، اسم، شغل، کشور، آدرس
پستی نیز برای ترجمه متن ذکر شود)